



نامه ملک الشعراء به همسرش در دوران نامزدی



با دربار شاه خورشید در تبریز در سال ۱۲۸۸



۱۲۸۸ در تبریز هنگام ساجده از سفر نرسیده همراه بیخ از بهار اوله ایران استرله بطریق بازی هستند

به سودایه بهار قربانت بروم. مراسم عزیزت را زیارت کردم، روحم تازه شد و شعفم بی اندازه گشت. دیروز تو خوش که روز من کردی، خوشی، اما عزیزم هر چه در مصاحبه ساکت و بی حرف اید، در مراسم، عربی نویسی و عبارت پردازید، من میل دارم هر چیزی طبیعی باشد. ساده نویسی و همان چیزی که انسان می خواهد بگوید، همان را گفتن و نوشتن بهتر از فکر کردن و عبارت پیدا کردن است. راست است اوایل برای کسانی که کم کار کرده اند و کم چیز نوشته اند مشکل است که بتوانند مقاصد قلبی و احساسات باطنی خود را روی کاغذ بیاورند ولی رفته رفته به مجاهدت و کوشش می توان این طور شد. با کوشش و سعی به همه چیز می توان رسید. امیدوارم به زودی سبک چیز نویسی شما تغییر کند، یعنی من خودم باید شما را به کار وادارم. و با شما سرو و کله بزنم تا سبک نویسندگی جدید را بلد شوید و از عبارات قدیمی که ایذا نه اثر دارد و ته قشنگی از او باقی مانده است، صرف نظر فرمایید. حالا نمی شود به شما این تحمیل را روا داشت. این از وظایف من است.

بازی عزیزم اگر احوال مرا می پرسی، خوب است. همان قدر که تو از تاخیر عروسی و تعویق ملاقات، کسل و انده ناک، من چندین برابر کسلم ولی امیدوارم به زودی از شر آدم های پدر سوخته و طول و تفصیل این ها خلاص شده، شما هم کارها تان تمام شود. چون شما پر روزها ایذا با من صحبت نکردید من هم تقریباً از شما نیمه قهرم و دیگر قبیل از شبیه موعود، میل ندارم شما را ملاقات کنم. برای این که بر من ثابت شده، ملاقات من برای شما اسباب خوشی نیست. تمام را به منکوت و بهت می گذرانید و مرا مجبور می کنید که مثل بچه ها شوخی کرده و حرفهای پرت و پریشان بگویم. باز هم بی فایده باشد و شما حرف نزنید. در اینصورت آیا بهتر نیست که شما را اذیت نکرده باشم و خودم را هم غصه نداده باشم. منتظر وصول خط شریفتم هستم.

قربانت می روم بهار



همراه شیخ طهر و برادر هندی در تبریز در سال ۱۲۸۸



۱۲۸۸ در تبریز هنگام ساجده از سفر نرسیده همراه بیخ از بهار اوله ایران استرله بطریق بازی هستند



۱۲۸۸ در تبریز هنگام ساجده از سفر نرسیده همراه بیخ از بهار اوله ایران استرله بطریق بازی هستند

تصنیفی چاپ نشده از ملک الشعراء

سرود ای ایران

شعر از ملک الشعراء بهار. آهنگساز: یحیی زرین پنجه، در دستگاه ماهور خواننده: جمال صفوی. گوازندگان: قاره یحیی زرین پنجه، ویولون نوزاد، پیانو، استوار پند اول: ایران روز هنر است، ای ایران، روز فتح و ظفر است ای ایران. ای ملک چم، مهد عجم، تا کی دژم، کن جنبشی ای ایران. کن جنبشی، شب شد سحر، سرزاق آفتاب و سمر. ای ایرانی کن جنبشی، کن جنبشی، کن جنبشی اندر هنر. بر خیز از خواب، شب شد سحر، بردار و سر، برون کمر چون شیر تر. این هم وطن، رفت از نظر، عهد کهن، نوشد وطن. ای ایرانی، در ره عز و شرف، جان نه به کف، سینه کن سپر. این ناداری، باشد پاری از نادانی، از بی باری، میکن حذر. در راه تو، اشکم جاری، زین غم خواری، شد گلناری، زین چشم تر.

پند دوم: ایران روز هنر است، ای ایران، روز فتح و ظفر است، ای ایران ملک کیان، یوم آریان، از دشمنان یکسر شده ویران.

بازین ای پیور، زین عصر نو، هشیان شو، تقابری شعر، فرزند من دلیند من، پشتو دل این پند من، جان پشتر. بردار و هان، ای نوجوان، سر را از این خواب گران. پیش از سحر، خواهی اگر، گردی قوی، ورزش نما.

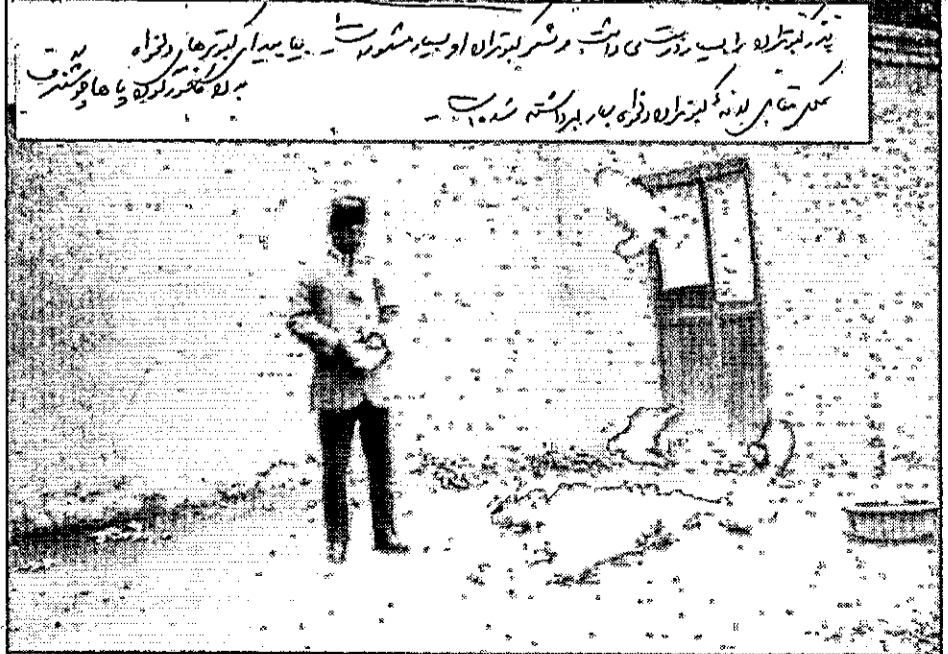
تصنیفی چاپ نشده از ملک الشعراء

سرود ای ایران

تصنیف های بهار، تصنیف سازی از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و آغاز مشروطه به عنوان تریبونی آزادی و واکنشی در برابر قدرت زورمداران و انتقاد از شیوه کار حکومت و اوضاع و احوال مملکت بود. بویژه روزنامه ها نمی توانستند به آسانی از شاه و هیات حاکمه انتقاد کنند. ملک الشعراء بهار که هر دم به بهانه های گوناگون خود و یا روزنامه نویهارش توقیف می شد ناچار همزاه سرودن شعرهای سیاسی و اجتماعی به تصنیف سازی نیز متوسل می شد تا پیام خود را در مورد آزادی و عدالت ابلاغ کند. سبک بهار در تصنیف سازی دل نشین و با مضامین ادبی و عاشقانه شروع می شود و در پایان با انتقاد از طرز کار حاکمان پیام خود را ابلاغ می نماید. آشنایی بهار با موسیقی در موفقیت تصنیف هایش نقش موثری داشته اند که مورد توجه همگان قرار گرفته اند. ملک الشعراء بهار در مجموع ۴۴ تصنیف ساخته است که در چاپ اول دیوان اشعارش همه آنها به ثبت ترسیده اند.

پند دوم: ایران روز هنر است، ای ایران، روز فتح و ظفر است، ای ایران ملک کیان، یوم آریان، از دشمنان یکسر شده ویران.

بازین ای پیور، زین عصر نو، هشیان شو، تقابری شعر، فرزند من دلیند من، پشتو دل این پند من، جان پشتر. بردار و هان، ای نوجوان، سر را از این خواب گران. پیش از سحر، خواهی اگر، گردی قوی، ورزش نما.



همراه شیخ طهر و برادر هندی در تبریز در سال ۱۲۸۸



همراه شیخ طهر و برادر هندی در تبریز در سال ۱۲۸۸